



موسویان مطرح کرد: ۲۵ دلیل برای اینکه ایران به دنبال تسلیحات هسته‌ای نیست

سید حسین موسویان، یکی از اعضای پیشین تیم مذاکره‌ای هسته‌ای ایران، در مقاله‌ای برای نشریه مطالعات بین‌الملل با ارائه ۲۵ دلیل نشان می‌دهد که چرا ایران به دنبال تسلیحات هسته‌ای نیست.

تاریخ: ۲۷ آبان ۱۳۹۲ - ۱۲:۱۹

کد خبر: ۲۱۹۳۷۶

آفتاب: وی می‌کوشد به این دو سوال پاسخ دهد که چرا ایران به دنبال تسلیحات هسته‌ای نیست و چگونه می‌توان از بحران کنونی بر سر برنامه هسته‌ای ایران بیرون رفت.

به گزارش تسنیم، رئیس‌جمهور اوپاما در سخنرانی مراسم تحلیف خود در سال ۲۰۱۳ از رهبران ایران درخواست کرد که «توجه داشته باشند که اکنون زمان در پیش گرفتن راه‌حل دیپلماتیک» برای حل مسائل مربوط به برنامه هسته‌ای تهران است، اما این را هم اضافه کرد که «ما هر آنچه را که لازم باشد انجام خواهیم داد تا ایشان را از دست یافتن به سلاح هسته‌ای بازداریم». بر اساس این اظهارات، دو مسئله کلیدی که مطرح می‌شوند، از این قرارند که آیا ایران به دنبال بمب هسته‌ای است یا خیر و اینکه چگونه یک راه حل دیپلماتیک قابل پیگیری و حصول است؟ مقاله پیش رو توضیحات جامعی را در مورد اینکه چرا ایران به دنبال بمب هسته‌ای نیست، به دست می‌دهد. علاوه بر این چارچوبی را برای راه حل دیپلماتیک، تشریح می‌کند. دلایلی که در ادامه مطرح می‌شوند به منظور توضیح اینکه چرا ایران به دنبال بمب هسته‌ای نیست، طرح و شرح می‌شوند:

۱. اسرائیل تهمت‌زننده اصلی است که ایران را به تلاش برای رسیدن به تسلیحات هسته‌ای متهم می‌کند و دائماً مدعی می‌شود که ایران در آستانه رسیدن به بمب هسته‌ای قرار گرفته است. اعتبار دعاوی اسرائیلی تأثیر خود را از دست داده است چرا که از اوایل دهه ۱۹۹۰ به اجرای این سناریوی آخرازمانی پرداخته است. از جمله این دعاوی بی پایه و اساس مقامات اسرائیلی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

* در اکتبر سال ۱۹۹۲، شیمون پرز، وزیر امور خارجه مدعی شد که ایران تا سال ۱۹۹۹ به بمب هسته‌ای مسلح خواهد شد.

* در سال ۱۹۹۵، بنیامین ناتنیاهاو در کتاب خود نوشت که ایران ظرف مدت ۳ تا ۵ سال، به تسلیحات هسته‌ای دست خواهد یافت.

* در آوریل سال ۱۹۹۶، شیمون پرز، نخست وزیر وقت اسرائیل مدعی شد که ایران ظرف مدت ۴ سال به تسلیحات هسته‌ای دست پیدا خواهد کرد.

* در نوامبر سال ۱۹۹۹، یکی از مقامات ارشد نظامی اسرائیل گفت که جمهوری اسلامی، ظرف مدت ۵ سال

توانمندی هسته‌ای را در خود ایجاد خواهد کرد.

* در جولای سال 2001، بنیامین بن‌لیزر، وزیر جنگ اسرائیل تأکید کرد که تا سال 2005 ایران بمب هسته‌ای خواهد داشت.

* در آگوست سال 2003 یکی از مقامات بلند پایه نظامی اسرائیل گفت که ایران در سال 2005 یک برنامه تسلیحاتی هسته‌ای فعال را کلید خواهد زد و پیگیری خواهد کرد.

* در فوریه سال 2009، ناتیناهو مدعی شد که ایران تنها یک یا دو سال از تسلیحات هسته‌ای فاصله دارد.

* و در سپتامبر سال 2012، بنیامین ناتیناهو، نخست وزیر اسرائیل گفت که ایران اورانیوم لازم برای ساخت یک بمب هسته‌ای تا اواسط سال 2013، غنی ساخته است.

بر اساس دعاوی اسرائیلی‌ها ایران باید تا سال 1999 به تسلیحات هسته‌ای دست پیدا می‌کردند، اما همچنان با گذشت سیزده سال از تاریخ مذکور، ایران نه بمب هسته‌ای دارد و نه برنامه هسته‌ای خود را در جهت اهداف نظامی پیگیری می‌کند.

2. از سال 2003 تا کنون، پس از بیش از 4000 روز - نفر بازرسی و بیش از 100 وهله ورود و بازرسی تکمیلی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به طور مکرر اعلان کرده است که هیچ مدرکی دال بر اینکه حتی یک گرم از مواد هسته‌ای برای اهداف نظامی به کار گرفته شده است، در دست نیست. مسئله‌ای مطرح شد که چرا مقامات ایرانی در برابر ارائه اطلاعات مربوط به برنامه هسته‌ای که مشکوک به تسلیحاتی بودن است به آژانس، مقاومت می‌کنند؟ دلیل آن مشخص است. آژانس از ایران درخواست کرد تا پروتکل الحاقی را اجرا کند و مسائل مربوط به وجوه نظامی احتمالی (پی‌ام‌دی) را مد نظر داشته باشد که ایران را ملزم می‌سازد به بازرسان آژانس اجازه بازرسی‌های فراتر از پروتکل الحاقی را بدهد. به منظور تحقق این خواسته‌ها، رسیدن به یک توافق بالقوه میان ایران و گروه 5+1 اجتناب ناپذیر است. این توافق باید شامل چیزی باشد که گروه 5+1 در زمانی ارائه خواهد کرد که ایران پروتکل الحاقی و اقدامات فراتر از آن را به منظور حل مسائل مربوط به وجوه نظامی احتمالی [برنامه هسته‌ای] اجرا می‌کند.

3. آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری، فتوایی را صادر کرده‌اند که استفاده از تسلیحات هسته‌ای و هرگونه تسلیحات کشتار جمعی را حرام اعلان کرده است. برخی مدعی هستند که این فتوا تنها، استفاده از تسلیحات هسته‌ای و نه تولید آن را ممنوع می‌کند. فتوای آیت‌الله خامنه‌ای صراحتاً تولید و انبار کردن تسلیحات هسته‌ای را ممنوع می‌کند. ایشان به طور علنی اعلان کرده‌اند که: «ملت ایران هرگز به دنبال تسلیحات هسته‌ای نبوده و نخواهد بود... هیچ شکی نیست که تصمیم گیرندگان در کشورهای معاند با ما به خوبی می‌آیند که ایران به دنبال تسلیحات هسته‌ای نیست، چرا که جمهوری اسلامی، به لحاظ منطقی، مذهبی و نظری، تحصیل تسلیحات هسته‌ای را یک گناه کبیری می‌داند و بر این باور است که تکثیر چنین تسلیحاتی بی‌معنا، مخرب و خطرناک است.»

آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به اظهارات رئیس جمهور آمریکا، در 18 فوریه سال 2013 اعلان کرد که: «اگر ایران به دنبال تولید تسلیحات هسته‌ای باشد، آمریکا به هیچ وجه نمی‌تواند مانع خواست ملت ایران شود. جمهوری اسلامی ایران خواهان تولید تسلیحات هسته‌ای نیست و این به هیچ وجه به آمریکا ارتباطی ندارد، بلکه بر اساس اعتقادی شکل گرفته است که تولید و استفاده از تسلیحات هسته‌ای را جنایتی علیه بشریت می‌داند و همزمانی که بر عدم تولید آن تأکید می‌کند، همچنین بر نابودی تسلیحات هسته‌ای موجود در دنیا نیز پافشاری می‌کند.»

4. ارزیابی اطلاعاتی ملی (ان‌آی‌ای) آمریکا در سال 2007 و 2011 نشان می‌دهد که ایران هیچ برنامه فعال تسلیحاتی هسته‌ای در اختیار ندارد؛ هیچ مدرک موثقی وجود ندارد که نشان دهد ایران از سال 2003 برای تولید بمب هسته‌ای تلاش می‌کند؛ و اینکه رهبری ایران هنوز هم تصمیمی سیاسی مبنی بر تولید سلاح هسته‌ای، نگرفته است.

5. موضع مخالف ایران نسبت به تسلیحات تخریب جمعی، که سابقه طولانی مدتی دارد، مورد آزمون قرار گرفته است. در دوران جنگ ایران - عراق، صدام دستور داد تا از تسلیحات شیمیایی علیه ایران استفاده شود و در سال‌های دهه 1980، استفاده صدام از این تسلیحات، باعث کشته و مجروح شدن صد هزار تن از سربازان و غیر نظامیان ایرانی شد. ایران در برابر این نوع حملات اقدامات تلافی جویانه‌ای ترتیب نداد، زیرا امام روح‌الله خمینی بنا بر اعتقادات مذهبی، مخالف استفاده از تسلیحات تخریب جمعی بود.

6. ایران هیچ گونه تسلیحات تخریب جمعی در اختیار ندارد و همه معاهدات اصلی که تحصیل تسلیحات تخریب جمعی را منع می‌کنند، امضا کرده است؛ معاهداتی از قبیل معاهده تسلیحات بیولوژیکی، معاهده تسلیحات شیمیایی، معاهده منع گسترش تسلیحات تخریب جمعی (ان‌پی‌تی) و معاهده جامع منع آزمایشات هسته‌ای.

7. بر اساس ارزیابی‌های ایران، تملک تسلیحات هسته‌ای تنها یک مزیت کوتاه مدت منطقه‌ای ایجاد می‌کند که به یک نقطه ضعف بلند مدت تغییر شکل می‌دهد، چرا که باعث کلید خوردن یک مسابقه تسلیحات هسته‌ای در منطقه می‌شود که دیر یا زود مصر، ترکیه و عربستان سعودی را وارد این وادی می‌کند.

8. منطقه عاری از تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه برای اولین بار در سال 1974 توسط ایران مطرح شد و اسرائیل مانع اصلی در برابر تحقق این پیشنهاد بوده است - تنها کشوری که در منطقه به صدها کلاهک هسته‌ای مجهز است و از اعضای معاهده منع تکثیر تسلیحات کشتار جمعی نیز نیست. این به مثابه یک اهرم سیاسی جدی برای ایران است تا از جامعه بین‌المللی بخواهد به اسرائیل فشار وارد کند تا بدون هیچ تعللی به ان‌پی‌تی بپیوندد و همه فعالیت‌های هسته‌ای خود را تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درآورده و همه تسلیحات و تأسیسات تسلیحاتی هسته‌ای خود را نابود کند. دست یافتن ایران به یک بمب هسته‌ای می‌تواند این معادله را علیه ایران و به نفع اسرائیل، تغییر دهد. حتی به تازگی ایران آمادگی خود را برای شرکت در کنفرانس خاورمیانه عاری از تسلیحات تخریب جمعی اعلان کرده است که قرار بود در دسامبر سال 2012 در هلسنکی، برگزار شود اما عدم تمایل اسرائیل برای شرکت در این کنفرانس، باعث به تعویق افتادن این کنفرانس شد.

9. انتخاب‌های تکنیکی که ایران برای طراحی برنامه هسته‌ای خود در پیش گرفته است، از اولویت داشتن توانمندی کارآمد در عرصه غنی سازی و نه دست یافتن هر چه سریعتر به توانمندی تسلیحاتی هسته‌ای، حکایت می‌کند. برنامه توسعه ایران روی تکنولوژی‌های هسته‌ای و نه تولید انبوه یا نصب حداکثری سانتریفیوژهای آی‌آر-1 یا سانتریفیوژهای نسل دومی آی‌آر-2، گردش می‌کند. اگر ایران در پی آن بود که در کوتاه مدت به تسلیحات هسته‌ای دست پیدا کند، شاکله و انتخاب‌های تکنیکی باصرفه‌تری نیز وجود داشت.

10. ایران هیچگاه نسبت به توسعه فعالیت‌های هسته‌ای دو کاربردی نیازمندی فوری نشان نداده است. حتی فعالیت‌هایی که در گزارش سال 2011 آژانس منعکس شده، به هیچ وجه در راستای یک برنامه تسلیحاتی هسته‌ای نبوده است. بر اساس اظهارات رابرت کلی، یکی از کارشناسان برجسته هسته‌ای آمریکا و از ناظران پیشین آژانس، این گزارش گمراه کننده بود و می‌کوشید «با اخذ اطلاعات و دادن این اطلاعات به خورد کسانی که خواهان در پیش گرفتن گزینه جنگ هستند»، افراطی‌ها را بر سر کار نگاه دارد.

11. ایران می‌داند که با تبدیل شدن به یک قدرت تسلیحاتی هسته‌ای، روسیه و چین را تشویق می‌کند تا به آمریکا پیوسته و تحریم‌های همه جانبه‌ای را اجرا کنند که اقتصاد ایران را فلج می‌کند.

12. ایران نمی‌خواهد به اسرائیل این بهانه را بدهد تا آمریکا و جامعه بین‌المللی را هماهنگ کند تا با آنچه که تهدیدی حیاتی برای خود می‌پندارد مقابله کرده و جنگی دیگر در خاورمیانه به راه اندازد.

13. استراتژی غایی ایران آن است که به یک کشور مدرن تبدیل شود که به طور کامل قادر به رقابت با غرب در عرصه تکنولوژی‌های پیشرفته است. اکثریت سیاستمداران برجسته ایرانی بر این باورند که تملیک تسلیحات هسته‌ای به مثابه مانعی خواهد بود که در بلند مدت مانع دسترسی ایران به همکاری‌های تکنولوژیک گسترده ایران با کشورهای پیشرفته خواهد شد. این دسته از سیاستمداران به هیچ وجه خواهان آن نیستند که ایران نیز همانند کره شمالی به لحاظ بین‌المللی به شدت منزوی شود.

14. در تابستان سال 2011، محمد البرادعی، دبیر کل پیشین آژانس که 12 سال این سمت را عهده دار بود و جایزه صلح نوبل را اخذ کرد، گفت: «حتی مدرکی کوچک ندیده‌ام که نشان دهد ایران در حال تسلیحاتی کردن برنامه خود بوده و می‌کوشد تأسیسات تسلیحات هسته‌ای ایجاد کرده و از مواد غنی شده خود چنین استفاده‌هایی بکند... من گمان نمی‌کنم که ایران خطری آشکار و بالفعل باشد. همه آنچه که می‌بینم، در واقع اغراق در مورد تهدیدی است که ایران می‌تواند به وجود آورد.»

محمد البرادعی در برابر جنگ‌طلبان کمر خم نکرد، لذا بعدها جایزه صلح نوبل را به خود اختصاص داد. بر اساس اخبار فاش شده از ویکی‌لیکز که بر گرفته از مراسله سفارت آمریکا در وین است، جانشین او، یوکیا آمانو، خود را «به شدت حامی آمریکا» معرفی کرده است که «با هر تصمیم استراتژیکی که در آمریکا اتخاذ شود هماهنگ است، از انتصاب‌های سطح بالا گرفته تا تلاش برای کنترل برنامه تسلیحاتی هسته‌ای ایران.»

15. در اوایل سال 2012، شبکه سی‌بی‌سی نیوز، از لئون پانتا، وزیر دفاع وقت پرسید که آیا ایران می‌کوشد به تسلیحات هسته‌ای دست پیدا کند یا خیر. او پاسخ داد: «خیر. اما می‌دانیم که ایشان تلاش می‌کنند توانمندی

هسته‌ای را در خود ایجاد کنند. و این چیزی است که ما را نگران می‌کند. خط قرمز ما برای ایران این است: سلاح هسته‌ای تولید نکنید. این یک خط قرمز برای ما نیز هست.» حتی اگر نگرانی اصلی در مورد ایران آن باشد که تهران می‌کوشد به توانمندی «میانبر زدن» دست پیدا کند، هرگز نمی‌توان اقدامی غیر قانونی را به تهران نسبت داد؛ و در واقع کشورهای بسیاری وجود دارند که به چنین توانمندی میان‌برزدن دست یافته‌اند از جمله ژاپن و برزیل.

16. در جریان مذاکرات هسته‌ای سال‌های 2003 تا 2005، میان ایران و فرانسه، آلمان و انگلیس (ای‌یو3)، ایران طرح‌های مختلف و متنوعی را ارائه کرد که التزام به موارد زیر را شامل می‌شد:

* نگاه داشتن فعالیت‌های غنی سازی در سطح 5 درصد.

* صادر کردن همه اورانیوم کمتر غنی شده یا تزریق آنها به لوله‌های سوختی.

* التزام به یک پروتکل الحاقی به توافق پادمان‌های آژانس و پایبندی به دستورالعمل 3.1 مذکور در توافقنامه‌های تابع توافق پادمان‌ها، که حداکثر سطح شفاف سازی را فراهم می‌آورد.

* اجازه دادن به آژانس برای انجام بازرسی‌های سرزده از تأسیسات غیر اعلانی؛ و

* خارج کردن اورانیوم غنی شده به کشور ثالث برای تزریق آنها به لوله‌های سوختی برای راکتور پژوهشی تهران.

این تلاش‌ها قرار بود این اطمینان را به وجود آورد که هیچ گونه اورانیوم غنی شده‌ای در آینده به سمت برنامه تسلیحاتی هسته‌ای منحرف نخواهد شد. به همین دلیل بود که سخنگوی وزارت امور خارجه ایران اخیراً گفت: «ایران، به منظور اثبات حسن نیت خود، حتی فراتر از تعهدات دستورالعمل‌های قوانین آژانس، عمل کرده است.» با این حال آمریکا و اتحادیه اروپا پیشنهاد مذکور را رد کردند.

17. در فوریه سال 2010، علی اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، پیشنهاد کرد که ایران فعالیت‌های غنی سازی خود را در سطح کمتر از 5 درصد نگاه دارد و در مقابل غرب لوله‌های سوختی لازم برای راکتور پژوهشی تهران، فراهم آورد. غرب این پیشنهاد را نیز رد کرد.

18. در ماه می سال 2010، ایران با برزیل و ترکیه توافق کرد در عوض خروج ذخیره اورانیوم کمتر غنی شده خود، سوخت راکتور پژوهشی خود را دریافت کند. این توافق بر اساس طرح پیشنهادی در پیشنهادی شکل گرفت که دولت اوپاما با مقامات برزیلی و ترکیه‌ای عقد کرد و این مجوز را به ایشان داد که از طرف واشنگتن می‌توانند با ایران مذاکره کنند. متأسفانه آمریکا با رد کردن این طرح، موفقیت خود را خراب کردند.

19. هرمان ناکارتز، معاون دبیر کل آژانس، در آگوست سال 2011 از تهران دیدن کرد. او از اختیار نامحدود برای دیدن از همه تأسیسات و سایت‌های هسته‌ای ایران، برخوردار شد. در هنگام بازدیدهای وی خواهان ورود به

تأسیسات پژوهشی و بخش توسعه سانتریفیوژهای پیشرفته و دیگر تأسیسات مرتبط آر اند دی شد که اجازه ورود به وی داده شد. هیچ کشور دیگری اجازه چنین نظارتی را به آژانس نداده و امکان دسترسی این چینی به تأسیسات هسته‌ای خود را به هیچ کس نداده است - حتی جامعه انرژی اتمی اروپا نیز چنین نکرده است. علاوه بر این وی از فعالیت‌های شبیه سازی و تأسیسات آر اند دی راکتور آب سنگین اراک نیز دیدن کرد.

به دنبال این دیدار، فریدون عباسی، ریاست سازمان انرژی اتمی ایران به آژانس اختیار نامحدود داد تا از برنامه و فعالیت‌های هسته‌ای ایران بازدید کند و برای مدت پنج سال به طور کامل نظارت داشته باشد، با این شرط که تحریم‌های علیه ایران برداشته شود - با این حال غرب این پیشنهاد را نیز رد کرد.

20. ایران از طرح گام به گام روسیه در تابستان سال 2011 استقبال کرد. طرحی که همه نگرانی‌های غرب در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران را بر طرف می‌کرد. این طرح ایران را ملزم می‌ساخت تا:

* اجازه نظارت کامل به آژانس بدهد.

* پروتکل الحاقی آژانس و دستورالعمل 3.1 این پروتکل را اجرا کند.

* تولید اورانیوم بسیار غنی شده را متوقف کرده و غنی سازی را به 5 درصد محدود سازد.

* نصب سانتریفیوژهای جدید را متوقف کند.

* سایت‌های غنی سازی را به یک سایت کاهش دهد.

* نگرانی‌های آژانس را در مورد «وجه نظامی احتمالی» برنامه هسته‌ای خود و دیگر ابهامات تکنیکی بر طرف کند؛ و

* به طور موقت غنی سازی را تعلیق کند.

این طرح به دلیل فقدان حمایت و استقبال غرب، اجرایی نشد.

21. این اتهام که ایران در حال ذخیره اورانیوم غنی شده برای تولید سلاح هسته‌ای است، بی پایه و اساس است، چرا که ایران سالانه نیازمند 27 تن اورانیوم است که 3.5 درصد غنی شده است تا سوخت لازم برای تنها نیروگاه تولید برق خود در بوشهر را تغذیه کند. تا به حال، ایران نزدیک به 7 تن از این مواد را تولید کرده و نیازمند 20 تن دیگر است. هر چند که سوخت برای نیروگاه بوشهر توسط روس‌ها تأمین خواهد شد و برخی افراد ممکن است چنین تصور کنند که نیازی نیست ایران برای نیروگاه بوشهر اورانیوم غنی کند، اما ایران نمی‌تواند به طور کامل به روسیه متکی شود و امیدوار باشد روس‌ها همواره نیازهای آتی ایران به سوخت هسته‌ای را تأمین کنند.

22. بزرگترین نگرانی غرب و در نتیجه بالاترین اولویت در مذاکرات هسته‌ای، حول اورانیوم 20 درصد غنی شده ایران بوده است. اولین بار در فوریه سال 2010، و دومین بار در سپتامبر 2011، ایران پیشنهاد کرد غنی سازی 20 درصد خود را متوقف کند و در عوض لوله‌های سوختی دریافت کند - اما این بار هم غرب پیشنهاد ایران را رد کرد. در نشست‌هایی که با حضور نماینده ارشد اتحادیه اروپا، یعنی کاترین اشتون و سعید جلیلی، مذاکره کننده هسته‌ای ایران در 19 سپتامبر سال 2012 برگزار شد، ایران بار دیگر پیشنهاد داد که غنی سازی اورانیوم 20 درصد خود را به حالت تعلیق در می‌آورد، با این شرط که اقدام متناسبی هم از طرف گروه 5+1 انجام شود. احمدی‌نژاد در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی ایران گفت که «اگر ایشان سوخت 20 درصد غنی شده به ایران بدهند ما بلافاصله غنی سازی 20 درصد را متوقف خواهیم کرد.» اما اروپایی‌ها در برابر حسن نیت وی، تحریم‌های بیشتری را بر ایران تحمیل کردند.

23. هشدار اخیر اسرائیل مبنی بر اینکه ایران در آستانه تولید تسلیحات هسته‌ای قرار گرفته و تا اواسط سال 2013 به این سلاح دست خواهد یافت، پیرو هیچ منطقی نیست چرا که ارزیابی‌های کارشناسان بین‌المللی به این نتیجه رسیده است که ایران چندین سال زمان لازم دارد تا یک کلاهک هسته‌ای کارآمد و با قابلیت پرتاب تولید کند. ارزیابی‌های مذکور این موضع ایران را که تسلیحات هسته‌ای بخشی از استراتژی دفاعی ایران نیست را تقویت می‌کند.

24. یکی دیگر از مهمترین اتهاماتی که به ایران زده می‌شود این است که به محض دست یافتن تهران به تسلیحات هسته‌ای، از آن برای حمله به آمریکا و اسرائیل استفاده می‌کند. این به هیچ وجه عقلانی نیست، چرا که هر گونه تحرک اینچنینی از طرف ایران علیه آمریکا و اسرائیل که هر کدام به ترتیب 8000 و 400 کلاهک هسته‌ای در اختیار دارند، منجر به نابودی کامل ایران می‌شود. ایران به طور علنی این واقعیت را آشکار ساخته است.

25. نگرانی اصلی برخی از سیاستمداران آمریکا این است که انگیزه ایران برای تحصیل تسلیحات هسته‌ای دست یافتن به بازدارندگی هسته‌ای است - حصول اطمینان از این که واشنگتن به ایران حمله نخواهد کرد، به دنبال تغییر رژیم یا دیگر اهداف اینچنینی در این کشور نمی‌رود. اگر این نگرانی صحیح باشد، پس تسلیحات هسته‌ای ایران می‌تواند برای جلوگیری از جنگ مورد استفاده قرار گیرد - یک نتیجه مثبت. اما این نگرانی بر اساس فرضیاتی نادرست شکل گرفته، چرا که ایران در برابر اقدامات جدی آمریکا و غرب برای تغییر رژیم در تهران، از جمله استفاده از جنگ، برای تحصیل تسلیحات هسته‌ای تلاش نکرد.

در طول هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، آمریکا و غرب هر آنچه در توان داشتند برای حمایت از طرف مهاجم، یعنی صدام، به کار گرفتند و باز هم نتوانستند ایران را شکست دهند. به رغم باور برخی، ایران بدون تسلیحات هسته‌ای، با گذشت 34 سال از انقلاب اسلامی، هر ساله قدرتمندتر شده است - تلاش‌های آمریکا و غرب را برای سرنگون کردن حکومت ناکام گذاشته - در حالی که جایگاه آمریکا و اسرائیل در منطقه تنزل یافته است به رغم هزاران کلاهک هسته‌ای که در اختیار دارند.

مسئله بعدی آن است که چگونه می‌توان از این باتلاق دیپلماتیک در مورد بحران هسته‌ای ایران بیرون آمد. ایران انتظار دارد جامعه بین‌المللی حق قانونی این کشور را برای غنی سازی تحت نظارت ان‌پی‌تی به رسمیت

شناسد و تحریم‌ها را بردارد. گروه 5+1 (اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل و آلمان)، نیز بر اساس ان‌پی‌تی پنج خواسته عمده مطرح کرده‌اند:

1) اجرای پروتکل الحاقی که انجام بازرسی‌های سرزده بیشتر توسط آژانس، ناظر هسته‌ای سازمان ملل، از سایت‌های هسته‌ای ایران و نیز سایت‌های نظامی همچون سایت پارچین را ممکن می‌سازد.

2) شفاف‌سازی هر چه بیشتر برنامه هسته‌ای با اجرای دستورالعمل 3.1.

3) صدور اجازه به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای فراتر رفتن از ان‌پی‌تی و پروتکل الحاقی به منظور برطرف کردن نگرانی‌های مربوط به وجوه نظامی احتمالی فعالیت‌های هسته‌ای ایران.

4) محدود کردن غنی سازی 20 درصد؛ و

5) تبدیل کردن اورانیوم غنی شده به لوله‌های سوختی یا خارج کردن ذخایر اورانیوم غنی شده که بلافاصله نمی‌توان آنها را برای مصارف داخلی به کار بست.

در حالی که این مطالبات بسیار فراتر از اصول و قواعد ان‌پی‌تی است، دولت احمدی‌نژاد آمادگی خود برای همکاری را نشان داد. رئیس‌جمهور ایران اعلان کرد که کشورش آماده است «بلافاصله» پس از آنکه جامعه بین‌الملل نیازمندی ایران به سوخت هسته‌ای را تأمین کند، غنی سازی 20 درصد را متوقف کند. کاری که در گذشته از انجام آن سر باز می‌زد. همچنین علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه ایران از دستورالعمل 3.1 توافقنامه فرعی پروتکل الحاقی به طور مستقیم به عنوان بخشی از پیشنهادی یاد کرد که «نگرانی‌های غرب را به رسمیت می‌شناسد و می‌کوشد با استفاده از هر ابزاری که در اختیار دارد، آنها را بر طرف کند.»

به جای طرح یک بسته پیشنهادی کامل که دربر دارنده مطالبات جدی باشد، گروه 5+1 همواره طرح‌های ساده لوحانه‌ای را مطرح می‌کند و خواهان تحقق مطالباتی حداکثری در برابر حداقل امتیازات است. مشخص است که آمریکا و غرب، تمایل سیاسی لازم برای نهای شدن توافق با ایران ندارند. طرح‌های پیشنهادی غرب نه حق مسلم ایران برای غنی سازی تحت نظارت ان‌پی‌تی را می‌پذیرد و نه برداشته شدن تحریم‌های جدی از ایران را. حتی مقامات غربی اعتراف کرده‌اند که طرح جدید ایشان تفاوتی با طرح‌های پیشین ایشان ندارد.

اگر آمریکا و غرب آماده پذیرش یک راه حل واقع‌نگرانه باشند، که بر اساس آن همه مطالبات عمده هر دو طرف ذیل یک بسته پیشنهادی به صورت گام به گام برآورده شود، رسیدن به توافق میسر است. دیپلماسی مؤثر خواهد بود اگر اوباما، کری و هیگل سیاست فشار آمریکا را که «همه گزینه‌ها را روی میز باقی نگاه داشته» تغییر داده و به سمت رویکردی متوجه شوند که به دنبال راه حلی واقعی برای برون رفت از این بحران است.